



مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق

محمد صادق زمانی زارچی^۱، سحر صمدی کاشان^۲ و سوگند قاسم زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران؛ zamani.1370@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. s.samadi.kash@ut.ac.ir
۳. استادیار گروه روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران، تهران، ایران(نویسنده مسئول); s.ghasemzadeh@ut.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: طلاق پدیده‌ای چند بعدی است و در بروز آن عوامل متعددی نقش دارند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق انجام گرفته است. **روش:** این پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق شهر تهران است. از این جامعه، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۰ نفر (۸۵ زن متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده و ۷۵ زن که تا به حال سابقه اقدام یا تقاضای طلاق نداشتند) با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات برای این پژوهش، مقیاس طرحواره هیجانی (لیهی، ۲۰۰۲) و مقیاس خودسرکوبگری (جک، ۱۹۹۱) بود. یافته‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره تحلیل شد.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش نشان داد در تمامی طرحواره‌ها به استثنای نشخوار ذهنی، قابل درک بودن، دیدگاه ساده انگارانه نسبت به هیجانان و تلاش برای منطقی بودن، بین نمرات زنان در گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین، بین نمرات دو گروه در متغیر خودسرکوبگری و تمامی زیر مقیاس‌های آن (ادراک بیرونی از خود، از خود گذشتگی، خود سرکوبگر و خود چند شاخه) تفاوت معنادار مشاهده شد. بنابراین، طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه ساز بروز مشکلات و شدت گرفتن تعارضات زناشویی شوند. بر پایه این الگو، می‌توان با استناد به رویکردی پیشگیرانه از مداخلات مؤثر و کارآمد در جهت کمک به همسران در آستانه طلاق استفاده نمود. **واژه‌های کلیدی:** طلاق، طرحواره‌های هیجانی، خودسرکوبگری، زنان، تهران.

◀ **استناد (به شیوه APA ویرایش ۶):** زمانی زارچی، محمدصادق؛ صمدی کاشان، سحر؛ قاسم‌زاده، سوگند (پاییز و زمستان ۱۳۹۷). مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶ (۲)، ۱۴۷-۱۵۸.

مقدمه

خانواده پناهگاه امنیت و خوشبختی تصور می‌شود و زمانی می‌تواند کارکرد خود را به درستی انجام دهد که دچار آشفتگی و نابسامانی نباشد (شربتیان و طوافی، ۱۳۹۴). نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی با کارکردهای مختلف آن می‌تواند هم در جنبه مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبه منفی اش یعنی ایجاد آسیب اجتماعی بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. از جمله وجوه منفی پدید آمده از درون این نهاد اجتماعی بروز آسیبی با عنوان طلاق است (نجفی، بی‌طرف، محمدی فر و زارعی مته کلایی، ۱۳۹۴) که برخی اوقات عاملی خطرناک برای بسیاری از اشکال ناکارآمدی و آسیب‌شناسی روانی در خانواده‌ها است (سپهوند، ۱۳۹۴).

طلاق به هر دلیل درست یا نادرست، پیامدهایی برای فرد مطلقه، اجتماع و نهادهای انتظامی و اجتماعی به همراه دارد. بی‌گمان بسیاری از بزهکاران جوان متعلق به خانواده‌هایی هستند که دچار تعارض و کشمکش‌های خانوادگی نظیر طلاق هستند. در روان‌شناسی جنایی، از خانواده‌های طلاق به عنوان یکی از عوامل بروز انحرافات اجتماعی یا جامعه زدگی و تشکیل گروه آسیب دیدگان اجتماعی یاد می‌شود. مهم‌ترین این آسیب‌ها و پیامدهای اجتماعی طلاق برای زنان عبارت‌اند از: فساد اخلاقی و انحرافات جنسی، بحران‌های اقتصادی و انحرافات ناشی از آن، طرد از اجتماع و سرخوردگی اجتماعی، تن دادن به ازدواج‌های موقت و یا خارج از عرف اجتماعی، پناه بردن به سوء مصرف مواد و اعتیاد و ولگردی و زندان (افشاری، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های گوناگون عوامل مختلفی را در بروز تعارض و گرایش به سمت طلاق دخیل می‌دانند، اما یک عامل مشترک که در اغلب پژوهش‌ها به آن اشاره شده است، شناخت‌ها هستند. شناخت‌ها شامل نگرش‌ها، تفکرات و طرحواره‌ها هستند (دامترسکو و روسو^۱، ۲۰۱۲). طرحواره‌ها، باورها و احساسات مهمی در مورد خود و محیط هستند که افراد آن را بدون چون و چرا پذیرفته‌اند. یکی از انواع این طرحواره‌ها، طرحواره‌های هیجانی می‌باشند. طرحواره‌های هیجانی منعکس‌کننده شیوه‌هایی هستند که افراد بر اساس آن‌ها هیجان‌های خود را تجربه می‌کنند. همچنین، این طرحواره‌ها در برگیرنده باورهایی است که افراد در مورد چگونگی عمل کردن در هنگام برانگیخته شدن هیجان‌ناخوشایند در ذهن دارند (لیهی^۲، ۲۰۰۷).

لیهی، ۱۴ بعد طرحواره‌های هیجانی را اینگونه مطرح می‌کند: تایید طلبی دیگران، قابل درک بودن، احساس گناه، دیدگاه ساده‌انگاره به هیجان، ارزش‌های والاتر، غیرقابل کنترل بودن، بی‌حسی هیجان، تلاش برای منطقی بودن، چرخه عواطف، توافق، پذیرش هیجان‌ناخوش، نشخوار ذهنی، ابراز احساسات و سرزنش. مدل طرحواره‌های هیجانی فرض می‌کند که اختلالات هیجانی، ناشی از چگونگی ارزیابی و تفسیر افراد از تجارب هیجانی شان و راهبردهایی است که در مقابله با آن‌ها به کار می‌برند (لیهی، ۲۰۰۷). به عبارتی، بر اساس مدل

1. Dumitrescu & Rusu

2. Leahy

فراشناختی هیجان‌ات(ولز^۱، ۱۹۹۵؛ ولز و کارتر^۲، ۲۰۰۱)، اگر هیجانی مانند خشم فعال شود، اولین گام شامل توجه کردن به هیجان است، مثلاً برچسب زدن به هیجان(افسرده، عصبانی یا هراسان). در اینجا دو مسیر مجزا وجود دارد، یا هیجان بهنجار قلمداد می‌شود یا آسیب‌زا. اگر فرد خشم خود را بهنجار تلقی کند، می‌تواند به سرعت آن را بپذیرد، ابراز کند و از این تجربه بیاموزد. در طرف دیگر، همین فرد می‌تواند هیجان خود را آسیب‌زا تلقی کند، مثلاً دریابد که این هیجان ناخوشایندی است. بنابراین، می‌تواند مسیر اجتناب شناختی را انتخاب کند که به فرایندهایی نظیر ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای سرکوبگرانه (خود سرکوبگری) منجر می‌شود. در واقع، طرحواره‌های هیجانی می‌تواند به وجود آورنده راهبردهای سرکوبگرانه به عنوان عاملی مؤثر بر ثبات روابط زناشویی باشد. طرحواره‌های خود سرکوبگری از طریق سوق دادن فرد به تسلیم شدن در برابر نیازهای دیگران، حذف ابراز وجود، سرکوب خشم و مهار عمل خودگردانی و در نتیجه محدود کردن صمیمیت و استقلال، مشخص می‌شود و می‌تواند باعث آسیب‌پذیری شخص شود (سادات حسینی و درویشی، ۱۳۹۴).

خود سرکوبگری به عنوان امتناع از بیان نیازها، احساسات و عقاید، با هدف ایجاد و حفظ تعادل در رابطه و جلوگیری از طرد شدن تعریف می‌شود (نگی، هامون، فرر و کارپر^۳، ۲۰۱۰) و دارای چهار جنبه زیربنایی با عناوین: الف) خود ادراکی بیرونی، ب) توجه به عنوان از خودگذشتگی، ج) خاموشی خود و د) خود تقسیم شده است (جک و آلی^۴، ۲۰۱۰). جک(۱۹۹۱) نظریه خود سرکوبگری را بر اساس مفهومی که زنان خود را بر اساس مشارکت در روابط نزدیک و واقعی با دیگران مهم می‌دانند، پایه‌گذاری کرده است. این نظریه بیان می‌کند که حالات منفی روان‌شناختی نظیر افسردگی در زنان ارتباط نزدیکی با تجارب آن‌ها در روابط رمانتیک دارد؛ به خصوص اگر زنان با نقش‌های زنانه متناسب با فرهنگ پرورش یافته باشند. روان‌شناسان بر این باور هستند که خود سرکوبگری در دو سطح بالا و پایین در افراد گوناگون ایجاد می‌شود. افراد دارای خود سرکوبگری زیاد بر عکس افراد با خود سرکوبگری کم، انسان‌های از خودگذشته و فداکاری هستند که ناراحتی‌ها و مشکلاتشان را نزد خود نگه می‌دارند. این قبیل افراد برای گسترش و حفظ روابطشان تلاش زیادی می‌کنند. ناراحتی‌های آن‌ها اغلب به شکل خشم ابراز نشده است. این افراد برای به دست آوردن تأیید دیگران و حفظ روابطشان، احساسات واقعی خود را پنهان نگه می‌دارند (فلت، بسر، هویت و دیویس^۵، ۲۰۰۷).

پژوهش‌ها متعدد نقش متغیرهای ذکر شده را در زمینه روابط زناشویی مورد بررسی قرار داده‌اند. از آن جمله، پیرساقی، نظری، نعیمی و شفائی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند طرحواره‌های هیجانی با تعارض‌های زناشویی رابطه داشته و به طور معناداری آن را پیش‌بینی می‌کنند. میرز^۶ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان داد رابطه معنادار بین طرحواره‌های هیجانی و رضایت از رابطه وجود دارد. در مطالعه‌ای دیگر مشخص شد خود سرکوبگری

1. Wells

2. Wells & Carter

3. Negy, Hammons, Ferrer & Carper

4. Jack & Ali

5. Flett, Besser, Hewitt & Davis

6. Mears



نقش واسطه‌ای در رابطه بین ناسازگاری زناشویی و افسردگی در زنان دارد (حبیبی، مختار، قنبری، نوری پور و موتابی، ۲۰۱۶). پیِتیکاین^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه خود با هدف بررسی نقش خودسرکوبگری در تعارضات زناشویی، دریافت که سکوت و سرکوب خود می‌تواند به عنوان عاملی مشکل ساز در روابط زناشویی نقش ایفا کند. همچنین، نتایج مطالعه وایفن، فوت و تامپسون^۲ (۲۰۰۷) حاکی از این بود که خودسرکوبگری نقش میانجی در رابطه بین تعارضات زناشویی و علائم افسردگی در زوجین ایفا می‌کند.

بنابر مطالب ارائه شده و با توجه به آثار و عواقب منفی طلاق در سطوح فردی و اجتماعی به ویژه در زنان، لزوم اقدامات پیشگیرانه برای کاهش این آسیب‌ها به چشم می‌خورد و این امر تنها در سایه شناسایی عوامل زمینه‌ساز این پدیده میسر می‌گردد. با توجه به این که در ایران پژوهشی به بررسی و مقایسه متغیرهای پژوهش نپرداخته، این مطالعه می‌تواند گام مهمی در جهت شناسایی این عوامل و تأثیر آن‌ها بر روابط زناشویی باشد. در این راستا و با توجه به نرخ رو به رشد طلاق و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی برآمده از آن و نیاز روزافزون به شناسایی عوامل مؤثر در این حوزه و طراحی راه‌حل‌های متناسب در جهت پیشگیری و درمان، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سوال است که چه تفاوتی بین طرحواره‌های هیجانی و خودسرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق شهر تهران وجود دارد؟

روش

این پژوهش توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان متقاضی طلاق که در شهر تهران زندگی می‌کردند و به دادگاه خانواده مراجعه کرده بودند و همین‌طور کلیه زنان شهر تهران که تا به حال سابقه تقاضای طلاق را نداشته‌اند تشکیل دادند. نمونه شامل ۱۰۰ زن متقاضی طلاق حاضر در دادگاه خانواده و ۱۰۰ زن غیر متقاضی طلاق که ملاک‌های ورود به پژوهش را دارا بودند بود که به صورت در دسترس انتخاب شد. با حذف پرسشنامه‌های مخدوش در نهایت پرسشنامه ۸۵ زن متقاضی طلاق و ۷۵ زن غیر متقاضی طلاق مورد تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن ازدواج اول، داشتن حداقل تحصیلات سیکل، تمایل به شرکت در پژوهش، عدم سابقه درخواست طلاق در زنان غیر متقاضی و عدم وجود روابط فرا زناشویی در زنان. علاوه بر این زنان هر دو گروه با توجه به محدوده سنی، مدت و سن ازدواج، میزان تحصیلات و تعداد فرزندان همتاسازی شدند و سپس به مقیاس طرحواره‌های هیجانی لیپه^۳ (۲۰۰۲)، با آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و پرسشنامه خودسرکوبگری جک و دیل^۴ (۱۹۹۱) با آلفای کرونباخ ۰/۸۷ پاسخ دادند و در نهایت یافته‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفت.

1. Pietikäinen
3. Jack and Dill

2. Whiffen, Foot & Thompson

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل نتایج داده‌های گردآوری شده در دو سطح و با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی صورت گرفت.

یافته‌های توصیفی: در جداول ۱ و ۲، شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان و متغیرهای پژوهش ارائه شده‌اند. جدول ۱. شاخص‌های توصیفی شرکت‌کنندگان

وضعیت	تعداد	درصد	میانگین سن	میانگین مدت ازدواج
متقاضی طلاق	۸۵	۰/۵۳	۳۲/۶۲	۸/۷۴
غیر متقاضی طلاق	۷۵	۰/۴۷	۳۱/۶۸	۷/۸۰

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش

گروه آماره متغیر	متقاضی طلاق		غیر متقاضی طلاق	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نشخوارذهنی	۹/۷۲	۳/۱۵	۹/۳۰	۱/۹۹
خودآگاهی هیجانی	۶/۰۸	۲/۵۷	۵/۲۴	۳/۰۳
گناه	۶/۰۸	۲/۸۵	۴/۴۱	۲/۶۴
ابراز احساسات	۵/۰۷	۱/۷۶	۵/۶۱	۱/۶۵
غیرقابل کنترل بودن	۵/۹۸	۲/۸۹	۴/۵۷	۳/۲۴
تاییدطلبی	۴/۱۰	۱/۴۸	۳/۸۲	۱/۳۸
قابل درک بودن	۵	۲/۴۳	۵/۰۹	۱/۶۶
سرزنش	۴/۲۲	۱/۷۷	۴/۴۲	۲/۱۶
تلاش برای منطقی بودن	۱۱/۱۲	۳/۲۸	۱۱/۴۹	۳/۱۳
ساده‌اندیشی در احساسات	۵/۴۳	۲/۱۰	۵/۶۱	۲/۹۷
ارزش‌های والاتر	۷/۵۷	۱/۹۷	۵/۰۷	۱/۶۱
پذیرش هیجانانگیز	۶/۹۴	۲/۱۸	۴/۵۲	۲/۹۷
توافق	۴/۷۰	۳/۵۰	۳/۱۲	۱/۹۸
ادراک خود بیرونی	۱۸/۷۲	۴/۵۲	۱۶/۵۳	۴/۶۷
از خودگذشتگی	۲۷/۱۶	۴/۴۵	۲۳/۴۱	۵/۱۷
خود سرکوب گر	۲۷	۵/۹۳	۲۵/۱۶	۷/۰۹
خود چندشاخه	۲۳/۴۳	۴/۶۰	۱۸/۴۶	۵/۳۲
خودسرکوب گری	۹۶/۳۲	۱۵/۳۷	۸۳/۵۷	۱۷/۳۳

همانگونه که در جداول ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، در تمامی زیر مقیاس‌های طرحواره‌های هیجانی به

استثنای ابراز احساسات، قابل درک بودن، سرزنش، تلاش برای منطقی بودن و ساده‌اندیشی در احساسات، میانگین نمرات زنان متقاضی طلاق بالاتر از گروه دیگر است. همچنین در تمامی زیر مقیاس‌های خود سرکوبگری (ادراک بیرونی از خود، از خود گذشتگی، خود سرکوبگر و خود چند شاخه)، میانگین نمرات زنان متقاضی طلاق بالاتر از گروه غیر متقاضی طلاق است.

یافته‌های استنباطی: در ادامه با کمک آزمون‌های آماری و طرح فرضیه، سوالات پژوهش پاسخ داده می‌شود.

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که شرط همگنی ماتریس واریانس - کواریانس رعایت شده است.

جدول ۳. بررسی پیش‌فرض ماتریس واریانس - کواریانس در متغیرهای پژوهش با آزمون باکس

سطح معناداری	مقدار F	Box S M
۰/۰۰۱	۱/۸۰	۳۱۱/۲۳

در جدول ۴ نیز نتایج آزمون لوین برای بررسی پیش‌فرض برابری واریانس‌های متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. بررسی پیش‌فرض برابری واریانس‌های متغیرهای پژوهش با آزمون لوین

سطح معناداری	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	مقدار F	متغیر
۰/۵۶	۱۵۸	۱	۰/۳۴	ادراک بیرونی خود
۰/۲۴	۱۵۸	۱	۱/۳۴	از خود گذشتگی
۰/۴۵	۱۵۸	۱	۴/۱۴	خود سرکوبگر
۰/۲۷	۱۵۸	۱	۱/۲۲	خود چند شاخه
۰/۵۴	۱۵۸	۱	۰/۳۶	خود سرکوبگری
۰/۰۱	۱۵۸	۱	۱۳/۳۵	نشخوارذهنی
۰/۰۶	۱۵۸	۱	۳/۷۲	خودآگاهی هیجانی
۰/۴۹	۱۵۸	۱	۰/۴۶	احساس گناه
۰/۵۹	۱۵۸	۱	۰/۲۸	ابراز احساسات
۰/۱۴	۱۵۸	۱	۲/۱۷	غیرقابل کنترل بودن
۰/۵۲	۱۵۸	۱	۰/۴۳	تاییدطلبی
۰/۰۶	۱۵۸	۱	۴/۹۲	قابل درک بودن
۰/۰۶	۱۵۸	۱	۳/۹۹	سرزنش
۰/۹۱	۱۵۸	۱	۰/۱۱	تلاش برای منطقی بودن
۰/۰۸	۱۵۸	۱	۵/۳۲	دیدگاه ساده انگارانه
۰/۰۶	۱۵۸	۱	۳/۷۹	ارزش‌های والاتر
۰/۰۱	۱۵۸	۱	۱۲/۳۶	پذیرش هیجانات
۰/۰۷	۱۵۸	۱	۳/۴۵	توافق

همانگونه که در جداول ۳ و ۴ ملاحظه می‌شود، واریانس همه متغیرهای پژوهش به جز متغیرهای نشخوار ذهنی و پذیرش هیجانات در دو گروه با هم برابر بوده و تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد. برای تعیین اثر گروه بر متغیرهای پژوهش از آزمون «لامبدای ویلکز» استفاده شد. که نتایج آن در ادامه گزارش شده است.

جدول ۵. تحلیل واریانس چند متغیره متغیرهای پژوهش با آزمون لامبدای ویلکز

آزمون	ارزش	F مقدار	درجه آزادی خطا	درجه آزادی اثر	سطح معناداری	مجذور ایثا
اثر پیلای	۰/۴۸۹	۷/۹۹	۱۴۲	۱۸	۰/۰۰۱	۰/۳۲۴
لامبدای ویلکز	۰/۵۱۲	۸/۱۶۷	۱۴۲	۱۸	۰/۰۰۱	۰/۴۹۲

همانگونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، نتایج ($F_{18, 142} = 8/167$ و $P < 0/001$) نشان می‌دهد که بین دو گروه شرکت کننده حداقل در یکی از متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶. تحلیل واریانس اثرات گروه بر متغیرهای پژوهش

منابع	متغیر (وابسته)	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	معناداری	مجذور ایثا
گروه	ادراک بیرونی خود	۱۹۲/۱۵	۱	۱۹۲/۱۵	۹/۱۰	۰/۰۱	۰/۰۵
	از خود گذشتگی	۵۶۰/۷۱	۱	۵۶۰/۷۱	۲۴/۲۷	۰/۰۱	۰/۱۳
	خود سرکوبگر	۱۳۴/۸۹	۱	۱۳۴/۸۹	۳/۱۹	۰/۰۵	۰/۰۲
	خود چند شاخه	۹۸۳/۶۳	۱	۹۸۳/۶۳	۴۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱
	خود سرکوبگری	۶۴۸۳/۲۷	۱	۶۴۸۳/۲۷	۲۴/۳۲	۰/۰۱	۰/۱۳
	نشخوار ذهنی	۷/۲۱	۱	۷/۲۱	-/۹۹	۰/۳۵	۰/۰۲
	خود آگاهی هیجانی	۲۸/۲۷	۱	۲۸/۲۷	۳/۶۰	۰/۰۵	۰/۰۸
	احساس گناه	۱۱۰/۹۹	۱	۱۱۰/۹۹	۱۴/۶۰	۰/۰۱	۰/۰۲
	ابراز احساسات	۱۱/۷۳	۱	۱۱/۷۳	۳/۹۸	۰/۰۴	۰/۰۵
	غیر قابل کنترل بودن	۷۹/۷۶	۱	۷۹/۷۶	۸/۷۹	۰/۰۱	۰/۰۱
	ناپیدطلبی	۳/۱۰	۱	۳/۱۰	۱/۵۰	۰/۰۲	۰/۰۱
	قابل درک بودن	-/۳۴	۱	-/۳۴	-/۳۴	۰/۷۸	۰/۰۱
	سرزنش	۱/۶۴	۱	۱/۶۴	-/۴۲	۰/۰۵	۰/۰۱
	تلاش برای منطقی بودن	۵/۲۷	۱	۵/۲۷	-/۵۱	۰/۴۷	۰/۰۱
دیدگاه ساده انگارانه	۱/۲۶	۱	۱/۲۶	-/۳۳	۰/۵۶	۰/۰۱	
گروه	ارزش‌های والاتر	۱۰/۹۰	۱	۱۰/۹۰	۳/۲۹	۰/۰۵	۰/۰۲
	پذیرش هیجانات	۲۳۳/۵۶	۱	۲۳۳/۵۶	۳۴/۸۳	۰/۰۱	۰/۱۸
	توافق	۱۰۰/۲۰	۱	۱۰۰/۲۰	۱۹/۳۶	۰/۰۱	۰/۰۱

ادامه جدول ۶. تحلیل واریانس اثرات گروه بر متغیرهای پژوهش

-	-	-	۲۱/۰۹	۱۵۸	۳۳۳۳/۴۴	ادراک بیرونی خود	خطا
-	-	-	۲۳/۱۰	۱۵۸	۳۶۴۹/۸۸	ازخود گذشتگی	
-	-	-	۴۲/۲۴	۱۵۸	۶۶۷۴/۰۸	خود سرکوبگر	
-	-	-	۲۴/۵۶	۱۵۸	۳۸۸۱/۵۶	خود چند شاخه	
-	-	-	۲۶۶/۵۰	۱۵۸	۴۲۱۰۷/۱۲	خود سرکوبگری	
-	-	-	۷/۱۴	۱۵۸	۱۱۲۸/۷۲	نشخوارذهنی	
-	-	-	۷/۸۳	۱۵۸	۱۲۳۸/۱۰	خودآگاهی هیجانی	
-	-	-	۷/۵۹	۱۵۸	۱۲۰۰/۶۱	احساس گناه	
-	-	-	۲/۹۴	۱۵۸	۴۶۵/۳۶	ابراز احساسات	
-	-	-	۹/۳۸	۱۵۸	۱۴۸۳/۳۳	غیرقابل کنترل بودن	
-	-	-	۲/۰۶	۱۵۸	۳۲۶/۷۹	تاییدطلبی	
-	-	-	۴/۴۴	۱۵۸	۷۰۲/۳۴	قابل درک بودن	
-	-	-	۳/۸۸	۱۵۸	۶۱۳/۱۰	سرزنش	
-	-	-	۱۰/۳۲	۱۵۸	۱۶۳۴/۳۳	تلاش برای منطقی بودن	
-	-	-	۰۳/۷۶	۱۵۸	۵۹۴/۶۸	دیدگاه ساده انگارانه	
-	-	-	۳/۳۰	۱۵۸	۵۲۲/۵۴	ارزش‌های والاتر	
-	-	-	۶/۷۰	۱۵۸	۱۰۵۹/۴۲	پذیرش هیجانات	
-	-	-	۵/۱۷	۱۵۸	۸۱۷/۵۶	توافق	

همانطور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، بین نمرات دو گروه طلاق و عادی در متغیر خودسرکوبگری و زیر مقیاس‌های آن (ادراک بیرونی از خود، از خود گذشتگی، خود سرکوبگر و خود چند شاخه) تفاوت معنادار وجود دارد (سطح معناداری پایین‌تر از ۰/۰۵ است). همچنین نتایج نشان می‌دهد در بخش طرحواره‌های هیجانی، بین نمرات این دو گروه در طرحواره‌های خودآگاهی هیجانی، احساس گناه، ابراز احساسات، غیرقابل کنترل بودن، تایید طلبی، سرزنش، ارزش‌های والاتر، پذیرش هیجانات و توافق تفاوت معنادار وجود دارد. ولی در نمرات طرحواره‌های نشخوار ذهنی، قابل درک بودن، دیدگاه ساده انگارانه نسبت به هیجانات و تلاش برای منطقی بودن تفاوت معنادار مشاهده نشد (سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ است).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق در شهر تهران بود. به طور کلی یافته‌ها بیانگر استفاده بیشتر خود سرکوبگری و اغلب طرحواره‌های هیجانی ناکارآمد در زنان متقاضی طلاق بود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌ها پیر ساقی و همکاران (۱۳۹۴)،

میرز(۲۰۱۲)، حبیبی و همکاران(۲۰۱۶) و وایفن و همکاران(۲۰۰۷) همخوانی دارد. بنابراین در چشم‌انداز اول لازم است نقش عوامل هیجانی را در ایجاد مشکلات ارتباطی زوجین در نظر گرفت. وقتی زوجین دچار بدکارکردی در فرایندهای هیجانی می‌شوند، امید به زندگی خود را از دست می‌دهند، بهزیستی روانی، مناسبات اجتماعی و کیفیت زندگی آن‌ها دستخوش تغییرات منفی می‌شود و اندوه، احساس تنهایی، شرم و عدم امنیت روانی بر زندگی آن‌ها استیلا می‌یابد. بدون تردید این امر می‌تواند در مواردی منجر به جدایی زوجین گردیده و موجبات فروپاشی روابط خانوادگی را فراهم آورد.

با مورد توجه قرار دادن یافته‌های مبتنی بر طرحواره‌های هیجانی مطالعه حاضر در زنان متقاضی طلاق، نتایج سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هرچه باورهای منفی نسبت به هیجانان یا همان طرحواره‌های هیجانی بیشتر فعال شود، افراد در تنظیم هیجانان‌شان با مشکلات بیشتری روبه‌رو می‌شوند. در این راستا، مطالعات حاکی از این است که بین برخی مؤلفه‌های طرحواره‌های هیجانی شامل تأیید طلبی، احساس گناه، سرزنش خود، ارزش‌های والاتر، پذیرش و خودآگاهی هیجانی و همچنین توافق کمتر در مورد مشابه بودن هیجانان خود با دیگران با برخی مشکلات روان‌شناختی نظیر اضطراب و افسردگی ارتباط معناداری وجود دارد(خانزاده و همکاران، ۱۳۹۱). لیهی(۲۰۰۲) در مطالعات خود برای آزمون مدل طرحواره‌های هیجانی دریافت که طرحواره‌های هیجانی احساس گناه، کنترل، توافق و پذیرش به طور معناداری با مشکلات و اختلالات روان‌شناختی همبستگی دارند. از آن‌جاکه مشکلات مرتبط با سلامت روان تهدیدکننده زندگی افراد بوده و می‌تواند تضادهای خانوادگی و طلاق را به دنبال داشته باشد(مهر و پلتیر، ۲۰۰۶)، می‌توان گفت که وجود این موارد در یکی از زوجین می‌تواند به عنوان یکی از همبسته‌های اصلی ناسازگاری در روابط زناشویی و در نتیجه گرایش به طلاق باشد. از طرفی، طبق نظریه طرحواره‌های هیجانی، افراد در شیوه تجربه هیجانان و مفهوم سازی آن‌ها متفاوت هستند و بسته به باورهایی که در مورد هیجانان دارند، روش‌های متفاوتی برای اقدام انتخاب می‌کنند. زنانی که هیجان‌های منفی زیادی دارند، به بروز واکنش‌های شدید به موقعیت‌های نسبتاً اضطراب‌زا یا نامطلوب تمایل دارند و در این شرایط به سرزنش خود اقدام می‌کنند و یا نسبت به دیگران بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند(ثنایی، هومن و علاقه مند، ۱۳۸۸). این خصیصه‌های منفی در دراز مدت می‌تواند به بروز تعارض‌های بیشتر در روابط زوجی منجر شده و سبب جدایی و فاصله زوجین از یکدیگر گردد.

در رابطه با تفاوت‌های دو گروه در متغیر خود سرکوبگری، پژوهش‌ها نشان می‌دهد خود سرکوبگری به تدریج عزت نفس فرد را کاهش می‌دهد و خودمختاری و صمیمیت در روابط زوجی را به گونه‌ای منفی دستخوش تغییرات می‌کند. همچنین، خود سرکوبگری آسیب‌پذیری فرد را در مقابل مشکلات مرتبط با سلامت روان افزایش می‌دهد(جک و آلی، ۲۰۱۰). علاوه بر این، افراد با خود سرکوبگری بالا در روابط نیازهای خود

را سرکوب می‌کنند و از این طریق نیز عاطفه و دوستی کمتری را در رابطه زناشویی خود تجربه می‌کنند. در نهایت پژوهش‌ها نشان می‌دهد خود سرکوبگری می‌تواند به واسطه تأکید بر انفعال و سلطه‌پذیری فرد در روابط، تاب‌آوری وی را کاهش داده و در نتیجه کارایی فرد را در مقابله با مشکلات موجود در زندگی مشترک تحت تاثیر قرار دهد (دال^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). این عوامل، همه و همه می‌توانند در نقش عواملی برای گرایش فرد به رهایی از مشکلات و در نتیجه پایان دادن به زندگی مشترک و اقدام برای طلاق ظاهر شوند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر سیمای هیجانی بدکارکرد در زنان متقاضی طلاق بود. این نتایج می‌تواند تلویحات کاربردی زیادی در فرایند آموزش و برنامه‌های مداخلاتی جهت تعدیل طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان به منظور مدیریت و کنترل بهتر هیجان‌های ناشی از مشکلات در روابط زناشویی داشته باشد. با نظر داشتن ملاحظات اجتماعی و انتظامی، باید توجه داشت که طلاق و فروپاشی خانواده می‌تواند زمینه ساز انحرافات اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی برای فرد مطلقه و دیگر اعضای خانواده گردد. لذا، مقتضی است این پدیده به عنوان یک عامل آسیب‌زا و خطرناک برای امنیت فردی و اجتماعی جدی گرفته شود و در جهت پیشگیری، درمان و بازتوانی آن اقدام شود. در این زمینه، به منظور کاربست یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره و مددکاری مرتبط با سازمان ناجا براساس نتایج چنین پژوهش‌هایی به طراحی برنامه‌های آموزشی مناسب و سودمند اقدام نمایند. در پایان، یادآور می‌شود که پژوهش حاضر به لحاظ استفاده از نمونه‌گیری در دسترس و استفاده از ابزار خود گزارشی دارای محدودیت‌هایی بوده است. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی ضمن مرتفع نمودن محدودیت‌های مذکور به بررسی سایر جنبه‌های متغیرهای این پژوهش با استفاده از روش‌های پژوهشی مختلف و در گروه‌های متفاوت پرداخته شود.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از عزیزانی که در اجرای این پژوهش همکاری نمودند، نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

منابع

افشاری، داوود (۱۳۹۷). بررسی آثار و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی طلاق. برگرفته از پایگاه خبری پلیس ایران. بازیابی از: <http://news.police.ir/News/fullStory.do?id=278299>.

پیر ساقی، فهیمه؛ نظری، علی محمد؛ نییمی، قادر و شفائی، محمد (۱۳۹۴). تعارض‌های زناشویی؛ نقش سبک‌های دفاعی و طرحواره‌های هیجانی. روان پرستاری، ۳(۱)، ۵۹-۶۹. بازیابی از:

http://ijpn.ir/browse.php?a_id=511&sid=1&slc_lang=fa

نتایی، باقر؛ علاقه بند، ستیلا و هومن، عباس (۱۳۸۸). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

- خانزاده، مصطفی؛ ادریسی، فروغ؛ محمد خانی، شهرام؛ سعیدیان، محسن (۱۳۹۲). بررسی ساختار عاملی و مشخصات روانسنجی مقیاس طرحواره‌های هیجانی بر روی دانشجویان. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۳(۱۱)، ۹۱-۱۲۰. بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=205579>
- ذبیحی دان، سحر (۱۳۸۹). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و احساس تنهایی با واسطه گری خودنقدی و خودخاموشی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، شیراز.
- سادات حسینی، فریده و درویشی، کبری (۱۳۹۴). نقش ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد فرزندپروری خانواده در خودخاموشی و خودنقدی نوجوانان. فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۰(۳۲)، ۷۳-۹۸. بازیابی از: <http://saman.iyu.ac.ir/index.php/cwfs/article/view/8595>
- سپهوند، تورج (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی برنامه توانمندسازی زناشویی، بر کاهش مشکلات زناشویی و تکانش‌گری ناکارآمد زوجین در معرض جدایی و طلاق. پژوهش‌های انتظامی- اجتماعی زنان و خانواده، ۴(۳)، ۶۴-۸۱. بازیابی از: http://journals.police.ir/content.php?pagename=show-article&journal_id=72&request_id=29671
- شربتیان، محمد حسن و طوافی، پویا (۱۳۹۴). تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و عوامل موثر بر آن. پژوهش‌های انتظامی- اجتماعی زنان و خانواده، ۵(۳)، ۱۹۳-۲۱۸. بازیابی از: http://journals.police.ir/content.php?pagename=journal&publication_id=993&journal_id=72&page=2
- نجفی، محمود؛ بیطرف، مهسا؛ محمدی فر، محمد علی و زارعی مته کلایی، الهه (۱۳۹۴). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بینش شناختی در زنان متقاضی طلاق و عادی. زن و جامعه، ۶(۴)، ۴۱-۵۸. بازیابی از: <https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=256057>

منابع انگلیسی

- Dale, S. K., Cohen, M. H., Kelso, G. A., Cruise, R. C., Weber, K. M., Watson, C.,... & Brody, L. R. (2014). Resilience among women with HIV: Impact of silencing the self and socioeconomic factors. *Sex roles*, 70(5-6), 221-231. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4051411/>
- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, Couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of evidence – based psychotherapies*, 12(1), 63-70. Retrieved from: <https://www.questia.com/library/journal/1P3-2647857001/relationship-between-early-maladaptive-schemas-couple>
- Flett, G. L., Besser, A., Hewitt, P. L., & Davis, R. A. (2007). Perfectionism, silencing the self, and depression. *Personality and Individual Differences*, 43(5), 1211-1222. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2007.03.012>
- Habibi, M., Mokhtar, S. M., Ghanbari, N., Nooripour, R., & Motabi, E. (2016). Marital maladjustment and depression in women: mediating role of self-repression. *Romanian Journal of Experimental Applied Psychology*, 7(2), 10-27. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.15303/rjeap.2016.v7i2.a2>
- Jack, D. C., & Ali, A. (Eds.). (2010). *Silencing the self across cultures: Depression and gender in the social world*. Oxford University Press.
- Jack, D. C., & Dill, D. (1991). The Silencing The self Scale: schemas of intimacy associated with depression in women. *Psychology of women Quarterly*, 16, 97-106. Retrieved from: <https://doi.org/10.1111/j.1471-6402.1992.tb00242.x>
- Leahy, R. L. (2002). A model of emotional schemas. *Cognitive and behavioral practice*, 9(3), 177-190. Retrieved from: [https://doi.org/10.1016/S1077-7229\(02\)80048-7](https://doi.org/10.1016/S1077-7229(02)80048-7)
- Leahy, R. L. (2007). Emotional schemas and resistance to change in anxiety disorders. *Cognitive and Behavioral practice*, 14(1), 36-45. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1016/j.cbpra.2006.08.001>
- Mears, G. S. (2012). Examining the relationship between emotional schemas, emotional intelligence, and



- relationship satisfaction. Liberty University.
- Mohr, D. C., & Pelletier, D.(2006). A temporal framework for understanding the effects of stressful life events on inflammation in patients with multiple sclerosis. *Brain, behavior, and immunity*, 20(1), 27-36. Retrieved from: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/15894458>
- Negy, C., Hammons, M. E., Reig-Ferrer, A., & Carper, T. M.(2010). The importance of addressing acculturative stress in marital therapy with Hispanic immigrant women. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 10(1), 5-21. Retrieved from: <http://psycnet.apa.org/record/2009-23946-001>
- Pietikäinen, K. S.(2018). Silence that speaks: The local inferences of withholding a response in intercultural couples' conflicts. *Journal of Pragmatics*, 129, 76-89. Retrieved from: <https://doi.org/10.1016/j.pragma.2018.03.017>
- Wells, A.(1995). Meta-cognition and worry: A cognitive model of generalized anxiety disorder. *Behavioural and cognitive psychotherapy*, 23(3), 301-320. Retrieved from: <http://dx.doi.org/10.1017/S1352465800015897>
- Wells, A., & Carter, K.(2001). Further tests of a cognitive model of generalized anxiety disorder: Metacognitions and worry in GAD, panic disorder, social phobia, depression, and nonpatients. *Behavior therapy*, 32(1), 85-102. Retrieved from: [https://doi.org/10.1016/S0005-7894\(01\)80045-9](https://doi.org/10.1016/S0005-7894(01)80045-9)
- Whiffen, V. E., Foot, M. L., & Thompson, J. M.(2007). Self-silencing mediates the link between marital conflict and depression. *Journal of Social and Personal Relationships*, 24(6), 993-1006. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0265407507084813>